

# سر آغاز نواندیشی معاصر

تاریخچهٔ پیدایش و برآمدن اندیشهٔ نوین  
«دینی و غیردینی»  
در ایران و دیگر کشورهای مسلمان‌نشین  
از سدهٔ نوزدهم تا اوایل سدهٔ بیستم

مقصود فراستخواه



## فهرست مطالب

دوآمد سخن ..... ۱۳

### ۱- اشاره‌ای به تاریخ تحول فکری در ایران ...

- ۱-۱- چرا باید تاریخ اندیشه را مطالعه کرد؟ ..... ۱۶
- ۲-۱- تحولات اندیشه و روحیات ایرانی ... ..... ۱۷
- ۳-۱- پرهیز از پیشفرض دسیسه، و ... ..... ۲۳
- ۴-۱- نخستین تکانه‌ها؛ (مقایسه آغاز تحولات ... ..... ۲۴
- ۵-۱- شرق و غرب، تلاقی و دیداری دیگر ... ..... ۲۶
- ۶-۱- آغاز تحولات در ایران؛ دوره عباس میرزا و قائم مقام ..... ۳۳
- ۷-۱- عصر امیرکبیر ..... ۳۵
- ۸-۱- نخستین آشناییها با فلاسفه و دانشمندان غربی ... ..... ۳۹
- الف) دکارت، اسپینوزا و کانت ← کتاب دیاکرت و ... ..... ۳۹
- ب) نیوتون و داروین ← فلک السعادة و جانورنامه ..... ۴۴
- ۹-۱- نواندیشیهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در ... ..... ۴۴
- I- میزان الملوک ..... ۴۵

## ۱-۱ - چرا باید تاریخ اندیشه را مطالعه کرد؟

درست به همان دلیل که نیازها، انگیزه‌ها، استعدادها و به‌طور کلی حیات انسان به جنبه‌های مادی آن منحصر نیست، فرهنگ و تمدن بشر نیز تنها در ساختن خانه، جاده، سلاح، لباس، ابزار و آلات و سایر امور مادی و تلاش در تنوع و گسترش آن خلاصه نمی‌شود. دین، فلسفه، معرفت و دانش، اخلاق، هنر، گویش، نگارش، ادبیات، مقررات، قوانین، آداب و رسوم و حقوق نیز جزو ساز و کارهای تمدن بوده است.

در منشأ تشکل تمدن‌ها، توجه برخی، بیشتر به عامل نژاد معطوف شده است و بعضی، از کلنجار آدمی با طبیعت و موانع، و یا از مهاجرت‌ها سخن گفته‌اند، ولی هرچه باشد، ریشه تمدن در انگیزه‌های مختلف آدمی است. انسان همان‌گونه که انگیزه‌های مادی دارد، انگیزه‌های هنری، فلسفی، علمی، اخلاقی و معنوی را نیز داراست. تمدن (از مدینه = شهر) همزاد و همپای شهرنشینی است و از روزی نضج یافته که زندگی در جنگل‌ها و غارها و بیابانگردی و چادرنشینی، جای خود را به نخستین تشکلهای روستایی در کنار رودخانه‌ها داده است. از این رهگذر، مردم در محل ثابتی مستقر گردیده‌اند و فرصت و بستر مناسبی برای اندوختن تجارب و کوشاوردهای خویش به دست آورده‌اند. از آن دوران، اندوخته‌ها و تجارب آدمی، هم مادی بوده است و هم معنوی. به گونه‌ای که شاید از هم تفکیک نپذیرند. انسان در پی رفاه، آسایش، امنیت، پیشرفت مادی و تکنیک است، می‌اندیشد و تأمل می‌کند، کنجکاوی نشان می‌دهد، ذوق و تخیلهای لطیف دارد، دارای تمایلات اخلاقی و مذهبی و نیازهای معنوی و روحی است، میل زیبایی‌طلبی و جلوه‌های هنری نیز در او هست، مقررات و حقوقی هم برای خود وضع می‌کند، ارزشها و باید و نبایدهایی را اعتبار می‌دهد و به آداب و رسومی می‌گردد.

این جنبه‌های گوناگون در یکدیگر مؤثر و از هم متأثرند و با هم، یک مجموعه انداموار و ارگانیکی می‌سازند که در طول تاریخ و عرض جغرافیا، مدیّت و فرهنگ بشری را رقم می‌زند. در بیان عوامل مختلف مؤثر در فرایند تاریخی تمدن مردمان و چند و چون آن، آنچه نقش بنیانی دارد، تحولات ذهنی و روحی است. چیزی که در آن سو و باطن تأسیسات شهری، ابزار و آلات، تکنیک و فراورده‌های مادی و صنعتی و سازمان زندگی، پنهان است و دخل و تصرف دارد؛ اندیشه‌ها، افکار و روحيّات می‌باشد. هرچند که تطوّر و سرنوشت اندیشه‌ها و کم و کیف آن نیز به نوبه خود از شرایط و تحولات عینی، اقتصادی و مادی تأثیر می‌پذیرد، مایه می‌گیرد و ناشی می‌شود. قدر مسلم این است که سیر تطوّر اندیشه‌ها، ارزش آن را دارد که بدان پرداخته شود.

\* \* \*

## ۱- ۲- تحولات اندیشه و روحيّات ایرانی را تمدن جدید غربی دامن زد، با مبانی فکری و روحی خاصی که داشت.

تحولات یک و نیم سده اخیر در ایران را دگرگونی‌های جدید مغرب زمین (رنسانس و مقدمه و مؤخره آن) دامن زده است و هر دو، هرچند زمینه‌هایی مادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی داشته‌اند در تحلیل نهایی، بر یک رشته تغییرات و تطوّرات در اذهان، اندیشه‌ها، نگره‌ها، انگاره‌ها و روحيّات مبتنی بوده‌اند. به لحاظ تحلیلی در فراسوی تحولات اجتماعی عصر جدید غرب - از رنسانس و پروتستانتیسم تا سده هجده (عصر روشنگری) - این عناصر و مبانی فکری وجود داشته است:

- عقل‌گرایی؛ حجیت خرد بشری در برابر حجیت منقولات دینی؛ امید فراوان به عقل و علم انسان در شناخت طبیعت و انسان، به همان گونه که هست.

- عقل معاش، جزوی‌نگر و اعتبارگر؛ عقلی که بیشتر با محسوسات و جزئیات سر و کار دارد، نیز برای زندگی انسان قانون می‌نهد و حد و مرز و حقوق مقرر می‌دارد.

- توجه به ادراکات و معلومات یقینی، بدیهی و ریاضی، به دور از ابهامها و تناقضها و تاریکیها.

- روشهای تجربی و استقرایی؛ تجسّس و جزئیات‌پردازی در طبیعت و علل و عوامل ریز طبیعی و مادی.

- پرهیز از اکتفا به کلیات انتزاعی در تبیین امور و پدیده‌ها (توجه به چگونگی، بیش از چرایی).